

"جنون نظامی گری" پهلوی

۳۰ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۲:۰۱

در یک مقطعی نیروی دریایی ایران بزرگترین ناوگان هاور کرافت را داشت که با این وجود باز هم سفارش خرید چهار ناوشکن آمریکایی را به کمپانی آمریکایی سازنده آن داد.

بنا به تاکید یک پژوهشگر تاریخ معاصر شاه کاتالوگهایی که سلاح ها در آن معرفی شده بودند می گرفت و ورق می زد و وقتی از سلاحی خوشش می آمد ضربدر می زد و سفارش خرید می داد. در واقع شاه به فکر پورسانتی بود که در خریدهای نظامی معمول است و از طرف فروشنده در اختیار خریدار قرار می گیرد و در حسابی که وی مشخص می کرد واریز می شد. بر این اساس پنتاگون در نیمه دوم ۱۹۷۳ میلادی فاش کرد که دولت ایران یک معامله تسلیحاتی برای خرید دو میلیارد دلار تجهیزات نظامی با آمریکا انجام داده است که تا آن زمان بزرگترین معامله تسلیحاتی محسوب می شد.

به گزارش مشرق به نقل از روابط عمومی و اطلاع رسانی موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: صفاء الدین تبرائیان افزود: ایران در نیمه نخست دهه ۵۰ شمسی کانون سیاسی، اقتصادی نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در منطقه خاورمیانه بوده است. انگلیسیها در سال ۱۹۶۸ میلادی اعلام کردند که تا سال ۱۹۷۱ نیروهایشان را از خلیج فارس و شرق کانال سوئز خارج خواهند کرد. در آن زمان این بحث وجود داشت که این خلا قدرت چگونه باید پر شود. موضوع ژاندارمی حاکمیت پهلوی دوم در منطقه در همین ارتباط شکل می گیرد. بنا به تاکید این پژوهشگر تاریخ معاصر، شاه حکم آلت دست قدرتهای بزرگ و مخصوصا آمریکا و انگلیس را داشت و به طور مشخص از دهه ۱۳۵۰ وابستگی حاکمیت پهلوی و به خصوص خریدهای تسلیحاتی رژیم از آمریکا تشدید شد. به همین خاطر هم بود که محمدرضا شاه کاندید تامین امنیت منطقه خلیج فارس شد.

تسلیم ارتش پهلوی برای ژاندارمی منطقه

وی خاطر نشان کرد: این منطقه دارای موقعیتی بسیار خاصی است و ذخایر نفت و گاز و شرایط ژئوپلیتیکی ایران به خصوص تسلطی که بر تنگه هرمز دارد و مرز مشترک طولانی ایران با اتحاد جماهیر شوروی همه دست به دست هم داد تا روز به روز بر اهمیت ایران نزد نظریه پردازان امنیتی، سیاسی غرب بیشتر شود. تبرائیان با اشاره به اینکه تکیه گاه رژیم پهلوی به جای مردم بر ارتش بود، تصریح کرد: بر این اساس هم ما شاهد تسلیم ارتش پهلوی به ویژه از ابتدای دهه ۵۰ شمسی هستیم تا بتواند نقش ژاندارمی منطقه را هم تامین کند. اغلب سلاحيهایی که ما در دوره پهلوی خریداری می کردیم از دو کشور آمریکا و انگلیس بود که

بعدها رژیم صهیونیستی هم به آن اضافه شد. بنا به تاکید وی شاه بیش از حد نیازش سلاح می خرید و همیشه این سوال وجود داشت که این سلاحها قرار است در کجا استفاده شود؟ مگر چه کسی قرار است به ایران حمله کند؟ شاه همیشه نگران حمله عراق به ایران بود و این نگرانی از سال ۱۹۶۸ که بعثی ها بر سر کار آمدند بیشتر شد. به گفته تهرانیان کودتای عراق هم یک کودتای کاملاً آمریکایی بود اما در آغاز کودتای خونینی نبود و طی آن عبدالرحمن عارف رئیس جمهور عراق به لندن تبعید شد. بنابراین یک رژیمی که با کمک آمریکایی ها بر سر کار آمده است نمی توانست تهدیدی برای شاه باشد. شاه بعد از کودتای آمریکایی انگلیسی سال ۳۲ به مهره بی چون و چرایی برای آمریکا و غرب تبدیل شد. بر اساس یک برنامه ۵ ساله از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸ م وقتی بررسی کردند ببینند چه بخشی از بودجه کشور صرف هزینه های نظامی می شود، دیدند که ۳۱ درصد از بودجه کشور صرف این امور می شود. بیشترین بودجه ای که صرف خرید تسلیحات نظامی شده است را ما در سال ۱۹۷۴ داشتیم.

این پژوهشگر ارشد تاریخ درباره چرایی افزایش خریدهای نظامی رژیم پهلوی در سال ۱۹۷۴ توضیح داد: سال ۱۹۷۳ درگیری میان اعراب و اسرائیل رخ داد و قیمت نفت بسیار افزایش پیدا کرد و از اواخر ماه های منتهی به ۱۹۷۳ و همچنین سال ۱۹۷۴ درآمد سرشاری از افزایش قیمت نفت وارد بدنه نهادهای رژیم پهلوی شد که نمی دانستند با آن چه کار کنند و این درآمدها صرف خرید تسلیحات نظامی شد. به موازات این ماجرا می بینیم که ایران هم برای دولتمردان غربی اهمیت بیشتری می یابد. کافیت ما نگاهی به سه سفیر آخر آمریکا در ایران داشته باشیم.

تهرانیان درباره سفرای آمریکا در کشورمان گفت: آخرین سفیر آمریکا در کشورمان "ویلیام سولیوان" بود. این شخص سفیر آمریکا در لائوس را در کارنامه کاری دارد. وی متخصص تشکیل ارتشهای مزدور و مقابله با قیام ها و خیزش های منطقه ای است. قبل از او "ریچارد هلمز" که رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سی ای آ) است. قبل از هلمز هم "جوزف فارلند" رئیس پلیس فدرال آمریکا، سفیر این کشور در ایران است. به گفته وی می بینیم که رئیس اف بی آی، رئیس سیا و یک متخصص سرکوب جنبشهای منطقه ای سفرای آمریکا در ایران هستند و در همین دوره هم سیل سلاح به ایران مخصوصاً از ابتدای دهه ۵۰ فزونی بیشتری یافت.

تهرانیان ادامه داد: فریدون هویدا سفیر ایران در سازمان ملل و برادر امیر عباس هویدا نخست وزیر یک آماری را در کتاب خودش «سقوط شاه» ارائه می دهد که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۱ در یک دوره ۲۱ ساله میزان خرید سلاح از آمریکا به یک میلیارد دلار نمی رسید اما از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸ در عرض ۷ سال این میزان خرید تسلیحات به ۱۹ میلیارد دلار رسید. به باور این محقق نکته مهم دیگر این بود که خرید تسلیحات برای کشور بر اساس نیاز نبود. قاعدتا باید فرماندهان نظامی نیاز کشور به تسلیحات نظامی را تعیین می کردند. وی در این رابطه به سخنان ارتشبد فریدون جم رئیس ستاد ارتش شاهنشاهی، اشاره و از قول وی اینگونه نقل کرد که: "در رابطه با خریدهای تسلیحاتی اعلیحضرت خودش شخصا تصمیم می گرفت و به حسن طوفانیان که محرم اسرار نظامی اش محسوب می شد، دستور می داد. از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ یعنی در خلال ۱۵ سال کسی بدون اجازه ارتشبد طوفانیان یک فشنگ هم نمی خرید و تمام خریدهای نظامی از کانال این شخص بود که انجام می شد." به گفته تهرانیان بر اساس اظهارات فریدون جم شاه تصمیم می گرفت و به طوفانیان دستور می داد و او هم خریدهای تسلیحاتی را انجام می داد. نه وزارت جنگ بر

روی این خریده‌ها کنترل داشت، نه فرماندهان نیروهای هوایی و دریایی و زمینی در جریان این خریده‌ها بودند و نه ستاد فرماندهی ارتش! شخص شاه، بانک مرکزی، طوفانیان، کمپانی طرف معامله و سفارت امریکا در تهران تنها اشخاص و نهادهایی بودند که در جریان این خریده‌های نظامی قرار داشتند.

جنون نظامی گری

وی درباره یکی از مواردی جالب دیگری که در این رابطه در زمان پهلوی اتفاق افتاد، افزود: در یک مقطعی نیروی دریایی ایران بزرگترین ناوگان هاور کرافت را داشت که با این وجود باز هم سفارش خرید چهار ناوشکن امریکایی را به کمپانی امریکایی سازنده آن داد. آخرین قیمت این ناو شکنها در سال ۱۹۷۴ صد و بیست میلیون دلار بوده است. اما هنگامی که شاه برای خرید اقدام می کند با وجود سپری شدن کمتر از دو سال قراردادی که منعقد می شود از ۱۲۰ میلیون دلار به ۳۳۹ میلیون دلار می رسد. در واقع وقتی کمپانی های اسلحه سازی امریکایی متوجه حرص و اشتها های سیری ناپذیر محمد رضا پهلوی برای خرید سلاح شده بودند در برابر این ولع قیمت را تا ۳ برابر افزایش دادند.

تبرانیان در پاسخ به این سوال که دلیل خرید این همه جنگ افزار و تسلیحات نظامی از سوی شاه چه بود آنرا به اشتیاق کودکانه و به دور از تدبیر وی مرتبط دانست و تاکید کرد: من عنوان این رفتار وی را گذاشته ام "جنون نظامی گری!"

پورسانت شاه از خریده‌های نظامی

این تاریخنگار درباره شیوه خرید تجهیزات نظامی از سوی شاه توضیح داد: شاه کاتالوگهایی که سلاح ها در آن معرفی شده بودند می گرفت و ورق می زد و وقتی از سلاحی خوشش می آمد ضربدر می زد و سفارش خرید می داد. در واقع شاه به فکر پورسانتی بود که در خریده‌های نظامی معمول است و از طرف فروشنده در اختیار خریدار قرار می گیرد و در حسابی که وی مشخص می کرد واریز می شد به همین خاطر همانگونه که فریدون هویدا و ارتشبد فریدون جم مطرح کرده اند نوع سلاح، تعداد آن، کمپانی و کشوری که باید از آن خرید شود همه توسط شخص شاه مشخص می شد. حتی ارتشبد طوفانیان که معتمد و همه کاره شاه در امور مرتبط با خریده‌های نظامی بود هم در این مسئله کاره ای نبود و در عمل پورسانتهایی که از سوی کمپانیها ارائه می شد به شماره حسابهای مختلفی در خارج از کشور و با نامهای مختلف برای گم کردن رد پورسانتها، واریز می شد. به گفته این محقق و نویسنده شاه به طوفانیان خیلی اعتماد داشت به دلیل اینکه دقیقا مبالغ پورسانتی را که از معاملات تسلیحاتی دریافت می کردند به شاه می گفت و شاه درباره اینکه با این پول چه کار کند به او دستورهای لازم را می داد. در واقع با این پولها کارهایی صورت می گرفت تا رد آن قابل دنبال کردن نباشد. تبرانیان افزود: گفته می شود که نیکسون به شاه قول داده بود هر گونه سلاحی بخواهی ما به تو می دهیم به جز سلاح اتمی .

بزرگترین معامله تسلیحاتی

پنتاگون در نیمه دوم ۱۹۷۳ میلادی فاش کرد که دولت ایران یک معامله تسلیحاتی برای خرید دو میلیارد دلار تجهیزات نظامی با امریکا انجام داده است که تا آن زمان بزرگترین معامله تسلیحاتی محسوب می شد که مطابق آن قرار بود ۱۷۵ جنگنده و ۵۰۰ بالگرد خریداری شود و مابقی آنرا هم صرف خرید موشک کنند. در چهار ماه آخر سال ۱۹۷۳ و کل ۱۹۷۴، ۷۵ ژنرال چهار ستاره امریکایی وارد ایران شدند که غالب اینها علاوه بر آنکه دستورالعمل ویژه ای را همراه داشتند، پیام های خاص را جابجا میکردند و واسطه هایی برای خریدهای تسلیحاتی بودند. معمول این خریده ها ۲ تا ۵ درصد پورسانت بود که این سود به حسابی که از سوی مسئول خرید ارائه می شد می رفت.

بنا به تاکید تبرائیان تکیه شاه به ارتش بود نه به مردم و در راس هرم ارتش هم شاه بود. وی تصریح کرد: شاه در هنگام خیزش و آغاز جنبش انقلاب اسلامی، یگان ضد شورش شهری نداشت و آمد از ارتشی استفاده کرد که اثر وجودی آن به مثابه نیروی نظامی برای مقابله با تجاوز اجنبی بود. شاه تانک، زره پوش و بالگردها را در خیابان آورد و همه کاری کرد تا با هم وطنان برای سرکوب انقلاب مقابله کند

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۱۱۹/چهلوی-گری-نظامی-جنون>